

## توسعه اقتصادی در شرق آسیا در قرن بیستم

پنجاهمین سالگرد پایان جنگ جهانی دوم ارائه شده‌اند. این کتاب چهار بخش اصلی را در بر می‌گیرد که در آن، در بخش نخست از

«مناسبات سنتی در آسیای شرقی تا مبادلات گسترده با غرب» بحث می‌شود، در بخش دوم «ایده‌های باختری در برابر هویت فرهنگی در آسیای شرقی» به مقایسه گذارده می‌شود، بخش سوم «ایده‌آلها، برخوردها و استراتژی در آسیای شرقی» را بررسی می‌نماید و بخش چهارم به «اصلاحات و اندیشه‌های اقتصادی در چین در حال توسعه» اختصاص دارد.

مفهوم آسیای شرقی با پیچیدگیها و پیوندهای فرهنگی سنت و نوگرایی مخصوص به خود از پُرسمان‌هایی است که از پی جنگ جهانی، سیاستمداران، اندیشمندان و نیز همه جهانیان را به سوی خود جلب کرده است و شمار فراوانی از فرهیختگان بر آن هستند که به بررسی دگرگونیهای اقتصادی این بخش از جهان بپردازند.

بانک جهانی که توجهی ویژه به کامیابی‌های اقتصادی آسیای شرقی در راستای نیل به رشد سریع داشت؛ از سال ۱۹۹۱ پیگیرانه به پژوهشی تطبیقی در این

*Economic Development in Twentieth Century East Asia: The International Context*, Edited by Aiko Ikee, London: Routledge, 1997, 213 pages.

خاورمیانه به عنوان منطقه‌ای ثروتمند، با ذخایر عظیم زیرزمینی در طول پنجاه سال گذشته به رغم درآمدهای استثنایی ناشی از استخراج منابع نفت و اخیراً گاز نتوانسته است اندیشه بنیانی و ریشه‌داری را در زمینه توسعه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ارائه دهد. این امر علل متعددی دارد. وجود تلاطم و کشمکش در منطقه از جمله درگیری میان اعراب و اسرائیل به عنوان دولتی تجاوزگر، منابع عظیم مالی و انسانی را به بیراهه برده و آن را از دستیابی به نتایجی مقبول در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی بازداشته است. میزان عقب‌ماندگی و هدر رفتن این منابع را فقط در مقایسه با پیشرفتهای سایر نقاط جهان و از جمله کشورهایی که کمی دورتر در آسیای شرقی جای دارند می‌توان دریافت. نقد کتاب «توسعه اقتصادی در شرق آسیا در قرن بیستم»، اشاره‌ای دارد به فرایند توسعه در آسیای شرقی که می‌تواند مبنای مقایسه‌بار و مورد موجود در خاورمیانه باشد.

کتاب «توسعه اقتصادی در شرق آسیا در قرن بیستم»، مجموعه نوشتارهایی است در زمینه مطالعات رشد اقتصادی شرق آسیا که در دومین سمپوزیوم بین‌المللی آسیای شرقی در توکیو در سال ۱۹۹۵ همزمان با

منطقه همت گمارد. این پژوهشها در سال ۱۹۹۳ تحت عنوان «معجزه آسیای شرقی؛ سیاستهای عمومی و رشد اقتصادی» به ثمر نشست. همان گونه که بانک جهانی نیز آورده است؛ مفهوم آسیای شرقی بر بنیان پیچیدگیها و یک هویت فرهنگی ناشی از کنفوسیانیسم، بودیسم، شینتو و ریشه های ژرف آیین های سنتی بر زندگی روزمره این منطقه شکل یافته است.

کشورهای آسیای شرقی، تاریخی پرفراز و نشیب را پشت سر گذاشته اند. در قرون هفدهم و هیجدهم این منطقه سیاست انزوا را در پیش گرفته بود. گرچه این کشورها ارتباط محدودی را در مناسبات خود با غرب در پیش گرفته بودند و اطلاعاتی را که از این راه به دست می آوردند در انحصار خود قرار می دادند؛ لیکن برای دادوستد با خارجی ها راه برای مردم عادی گشوده نبود. بنابر این مردم به سختی به فرهنگ ملی خود وفادار بودند و زندگی پایداری را می گذراندند. لیکن سده ۱۹، شرایطی نوین به همراه آورد

بخش نخست، نگرشهای اندیشمندان آسیای شرقی را نسبت به دگرگونیهای تاریخی و مبادلات منطقه (از نیمه قرن ۱۹ با آغاز یورش غریبها) بررسی می کند. که در آن دو اندیشور آسیای شرقی یکی از چین و دیگری از ژاپن در نقش سخنرانان اصلی به ارائه مطالبی پرداخته اند.

خی یو<sup>(۱)</sup>، نگرشی چینی را در پیوند با نظام (راژمان) دادوستد بین المللی و مناسبات در آسیای شرقی از قرن نوزدهم تا بیستم از دیدگاه توسعه تاریخی بررسی می نماید. یو بر این باور است که تا نیمه سده

1. X. Yu.

2. Barbarian - China.

۱۹، یک نظام چینی - بربری<sup>(۲)</sup> در آسیای شرقی وجود داشته است. این رژیم، در بردارنده سلسله مراتب تاریخی بود که در رأس آن چین قرار داشت. از نیمه سده ۱۹ میلادی سرنوشت ملل آسیای شرقی به وسیله نظام بین المللی تعیین شد. این رژیم از طریق چین، شوروی، ژاپن و غریبها شکل می گرفت. او شکاف قدرت میان کشورها و مناطق گوناگون را پدید آورنده اختلافها می دانست و نقش فن آوری و توسعه اقتصادی را در نیمه قرن بیستم در کاهش یا افزایش تشنجات، مهم می دانست. یو، نقش آسیای شرقی را بر رژیم آینده جهانی بسیار برجسته می داند.

اس. اتو<sup>(۱)</sup> با توجه به سخنرانی یو، پیوستگی یا ناپیوستگی را در آسیای شرقی از یک نگرش گسترده و جامع مورد پژوهش قرار می دهد. اتو درک جامعه سنتی آسیای شرقی را بر بنیان نظام استبدادی و مستقل میسر می داند. وی فرایند فروپاشی سنت را هم به واسطه متغیرهای داخلی و نیز متغیرهای بیگانه بررسی می کند. اتو در

گفتارش اصلاحات و انقلابات را در ژاپن و چین پی می گیرد. ژاپنی ها را ملتی می داند که مانند چینی ها بر سنت تأکید داشتند، لیکن اصلاحات را نیز جذب نمودند. وی مشروعیت امپراتوری در ژاپن و ذهنیت ژاپنی ها را پس از جنگ دوم از عوامل مؤثر در توسعه آنها دانسته و آن را در پرتو نگرش «نورو سایه» در تاریخ نوین ژاپن مطرح می نماید. اتو در نهایت پیشنهادها را گوناگونی برای مطالعه تاریخ آسیای شرقی مدرن ارائه می کند.

بخش دوم، سه گفتار را در بردارد که هر سه از سوی اندیشوران چینی ارائه گردیده است. این گفتارها هم سخن از اندیشه های غربی دارد و هم به پی جویی هویت ملی و فرهنگی می پردازد. در سمپوزیوم اشاره شد که دگرگونیهای اساسی و پرشماری در زمینه های تفکرات اقتصادی، تجاری و تعلیم و تربیت از حدود سالهای ۱۹۲۰ در منطقه آغاز شده است.

تی یه<sup>(۲)</sup> عقیده دارد که از دهه های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ دوران پژوهش منظم در

1. S. Eto.  
2. T. Ye.

مورد تفکر اقتصادی چین و ژاپن آغاز شده است. این دانشور به بررسی اندیشه های اقتصادی چین در دهه های مذکور می پردازد. او نتیجه می گیرد که کوتانگ<sup>(۱)</sup> بزرگترین اندیشمند و بازیگر قطعی اندیشه اقتصادی چین در دهه های ۲۰ و ۳۰ بوده و شاخه ای مستقل در اقتصاد چین به وجود آورده است. وی، واژه اقتصاد سیاسی را از اقتصاد جدا نمی داند و انطباط تفکر اقتصادی در چین و ژاپن را مشابه نمی داند. خ. زانگ<sup>(۲)</sup> در نقش تحلیلگر اقتصادی- اجتماعی از فرهنگ بازرگانی چین در سالهای دهه ۲۰ تا ۵۰ یاد می کند. او به بررسی چگونگی مبادلات چین و غرب در این سالها پرداخته و محصولات مبادله شده در این سالها را نماد فرهنگ اصیل چین می داند. زانگ سرمایه گذارهای بازرگانی شرکتهای مختلف چینی را مورد بررسی قرار می دهد. وی از مفاهیمی چون اطلاعات، کارآیی و خلاقیت که از سوی بازرگانی غرب به فرهنگ بازرگانی چین وارد گردید و آن را به زبان روز برگرداند، سخن می گوید.

اندیشه های استوار در سالهای ۵۰ در بازرگانی چین درونمایه ای چون صداقت و وفاداری و پیوستگی به اصول اخلاق سنتی برای وی در پی داشته است.

در فصلی دیگر کو- لیو<sup>(۳)</sup> دوران چهارم را از مه ۱۹۲۰ به عنوان یک نقطه عطف در تاریخ چین نوین مطرح می سازد. لیو، ایده آل انقلاب ۱۹۲۰ را در چین ایدئولوژی دمکراسی می داند. در همین دوران است که جان دیوی<sup>(۴)</sup> و برتراند راسل به چین دعوت شدند تا از این راه، نوآوران و روشنفکران تعلیم و تربیت، به مردان جوان چین اطلاعات گسترده ای از ایدئولوژی دموکراتیک و مفاهیم آزادی و برابری ارائه کنند. با توجه به تشخیص فردگرایی غربی، اصلاحگران بر توسعه فردگرایی به عنوان یک شاخص در ایجاد شخصیتی ژرف در اتباع چین تأکید ورزیدند. به باور لیو، بسیاری از ارزش های نسل جدید که در ۴ فوریه ظاهر گردید، در برابر نظامهای فرمانروایی و ایجاد تجاوزات امپریالیستی بود.

بخش سوم این کتاب نیز دوران دهه

1. Q. Tang

2. X. Zheng

3. Q. Liu

4. John Dewey

۲۰ و ۳۰ را با زمینه‌های فرهنگی مختلف و با تأکید بر مبنای مفهوم توسعه در آسیای شرقی در بردارد. اس. کواک<sup>(۱)</sup> و اچ. لی<sup>(۲)</sup> به آزمون شرایط توسعه اقتصادی در کره در نیمه اول قرن بیستم می‌پردازند. این گفتار بر اساس نهایی‌ترین گزارش‌های متمرکز شده در دوران استعمار است. کره که در دوران رقابت قدرتهای بزرگ درها را بر روی خود بسته بود، توسط ژاپنی‌ها در رقابت با قدرتهای دیگر گشوده شد و از آن پس نفوذی یک طرفه بر کره تحمیل شد. کره در حال توسعه، تنها برای ارسال تجهیزات به ژاپن برنامه‌ریزی شده بود. آنها معتقدند که ژاپنی‌ها در این دادوستد به هیچ روی به آرزوها و آمال کره‌ای‌ها اهمیت نمی‌دادند. در دوران استعمار حکومت‌های استبدادی و سرمایه‌ خارجی مانع رشد اراده آزاد و مردمی می‌گردید. در این سالها سخن گفتن از مناسبات بین الملل و احترام متقابل بسیار انتقادی است.

ک. یاگی<sup>(۳)</sup> از اندیشه‌های روشنفکران ژاپنی و معمای جنگ ۱۹۳۷

چین و ژاپن که به نام «حادثه چین» مشهور گردید، سخن می‌گوید. او عقیده دارد که روشنفکران از وجود دولت دست‌نشانده منچوری در سال ۱۹۳۱ بشدت شوکه شده بودند. شماری از روشنفکران بر این اندیشه بودند که چین و منچوری به یکدیگر پیوند خورده و جامعه متحد آسیای شرقی را به وجود آورند. اتحادی که توسط ژاپن هدایت شده باشد. یاگی، باور خود را از محور کاپیتالیسم و اتحاد آسیای شرقی آشکارا بیان می‌کند و معتقد است که در پی سالهای ۱۹۳۷ اندیشمندان تلاش می‌کردند اقتصاد کنترل شده را با قاعده‌مند کردن توجیه تاریخی و ضرورت جنگ مطرح نمایند. به نظر می‌رسد یاگی به تقدیر و تحسین اندیشه‌هایی می‌پردازد که می‌توان آن را «توتالیتراریسم عام» نامید.

بر بنیان پژوهشی که بهره از آرشیو وزارت خارجه ژاپن گرفته است، ک. دبلیو، رادکه<sup>(۴)</sup> در مقاله‌ای تحریک آمیز «سیاست خارجی ژاپن پیش از جنگ» را که بدان «سیاست خارجی هیروتا» می‌گویند؛ مورد

1. S. Kwak  
2. H. Lee

3. K. Yagi  
4. K. W. Radtke

بررسی قرار می دهد. وی شروع جنگ ژاپن علیه چین را در سال ۱۹۳۷ بررسی می کند. او عقیده دارد که گرچه ژاپن هدفش تسلط بر آسیا بود، لیکن حرکاتش تاکتیکی و فاقد یک استراتژی بزرگ منسجم بود. نویسنده تذکر می دهد که ژاپن با بهره گیری از یک دیپلماسی قهری سعی داشت بر اقتصاد داخلی چین پیروز شود و از وحدت آن کشور ممانعت نماید؛ تا بتواند قدرت آسیایی در قرن ۲۰ باشد.

پی. اف. هوپر<sup>(۱)</sup> از آن سوی جهان (اقیانوس آرام) به آسیای شرقی می نگرد و گسترش تشنجات ژاپنی- امریکایی را در مؤسسه روابط پاسیفیک (IPR) طی دهه ۱۹۳۰ بررسی می کند. مؤسسه روابط پاسیفیک تحت رهبری امریکایی ها و ژاپنی ها در نیمه دهه ۲۰ تأسیس گردید. تأکید این مؤسسه بیشتر بر مسائل نژادی و فرهنگی منطقه بود.

پُرسمان توسعه که از نقطه نظرهای مشترک دو کشور بود در سالهای ۱۹۳۰ به تدریج ناپدید شد. در پی یورش پرل هاربر،

امریکایی ها به سوی متفقین گرویدند؛ لیکن ژاپن مشارکت خود را در پژوهش های مؤسسه استمرار بخشید. نویسنده به چگونگی ایجاد این اختلاف و تأثیر آن در پرسیمانهای بین المللی آن دوران می پردازد.

تی. ماتسو ماتو<sup>(۲)</sup> میراث تاریخی صنعت آهن و فلز را که توسط ژاپنی ها در منچوری توسعه یافته بود، بررسی نموده و سرنوشت آن را پس از ترک ژاپنی ها مطالعه می نماید. این صنعت در پی جنگ داخلی

میان ملی گرایان چین و کمونیستها تا حدی آسیب دید و بخش دیگر آن توسط روسها در حین جنگ مصادره شد. ماتسو موتو در بخش سوم کتاب، نقش کارخانجات مزبور را پس از بازسازی در دهه ۱۹۵۰ و نقش اقتصادی آن را در توسعه منطقه مورد تحلیل قرار می دهد.

جی. زوس<sup>(۳)</sup> در این بخش چهارم به بیان اختصاری سیاستهای اقتصادی چین از سال ۱۹۱۹ می پردازد و مفهوم توزیع برابر ثروت را که در بطن این سیاست قرار داشت، مورد کنکاش قرار می دهد. نویسنده، دورانهای تاریخی دگرگونی را در جامعه چین

1. P. F. Hooper  
2. T. Matsumoto  
3. J. Zhus

در سه مرحله می‌داند.

دانسته که به همراه نظامهای دیگر اقتصادی

برشگاه نخست از زمان انقلاب

و سیاسی در منطقه، در کنار یکدیگر به توسعه

دمکراتیک نوین ۴ مه ۱۹۱۹ تا برپاشدن

اقتصادی آسیای شرقی منجر گردید. پنگ

جمهوری مردمی چین در سالهای ۱۹۴۹،

می‌نویسد که کنفوسیانیسم به دلیل نقشی

دوران اقتصاد برنامه‌ریزی شده

که در نزاکت اجتماعی، مشروعیت، سلسله

سوسیالیستی (از ۱۹۴۹ تا ۱۹۷۸)؛

مراتب، نظم و غیره دارد و نهایتاً ابزاری که

برشگاهی که سیاست‌های اصلاح و درهای

برای طبقه حاکم به همراه می‌آورد، بسیار

باز را به جهان خارج (پس از سال‌های

پرثمر است. وی عقیده دارد که این اندیشه،

۱۹۷۸) به سوی اقتصاد بازار سوسیالیستی

شمشیر دو لبه می‌باشد، اگر حکومتی به

هدایت می‌کند. در این برشگاه به تدریج

توسعه اقتصادی بیندیشد، این اندیشه

واژگان جدید مثل تعدیل، توزیع برابر ثروت

توانایی حکومت را افزایش می‌دهد، لیکن

(به همان مفاهیمی که بانک جهانی آورده

اگر به توسعه اقتصادی نپردازد، شرایط

است) مطرح گردید. او نگران تعارض میان

نامناسب‌تر خواهد بود. پنگ هم اکنون نیز به

کشورهای ثروتمند توسعه یافته و کشورهای

انتشار اندیشه‌های کمونیسم کنفوسیوسی در

توسعه نیافته فقیر می‌باشد و آن را دلیلی

چین می‌پردازد.

برای افزایش بحرانهای اجتماعی و عمیق

خی‌هی<sup>(۲)</sup> به سیاستهای جاری

بین‌المللی می‌داند.

حکومت در برابر نژادهای گوناگون در کشور

دی. پنگ<sup>(۱)</sup> پرسمانی را در پیوند با

پرداخته و سیاستهای مناسب کنونی را تأیید

کنفوسیانیسم در آسیای شرقی و توسعه

می‌نماید. وی می‌نویسد که در دوران انقلاب

اقتصادی منطقه گشوده و آن را تنها متغیر

فرهنگی اقلیت‌های نژادی در چین محدود

توسعه اقتصادی نمی‌داند. نویسنده، این

می‌شدند و مذهب، رسوم، عادات و عقاید

اندیشه را یک اخلاق اساسی اجتماعی

چندان مورد احترام انقلاب فرهنگی نبود.

1. D. Peng

2. X. He

اجرای سیاست‌های نوین و بازنگریها جوامع نژادی را از حالت نیمه بسته به نوع باز دگرگون نمود. اقتصاد باز سبب جابجایی افراد شده است و فرصت‌هایی شغلی دلیل جابجایی‌ها بوده است. هی می نویسد که سیاست‌های کنونی دولت، اقلیت هان<sup>(۱)</sup> را تشویق به همراهی با اقلیت‌های نژادی دیگر نموده است. در نتیجه افزایش جمعیت مقارن با گسترش مفاهیم فرهنگی اقلیت‌ها نیز شده است.

### نتیجه

مطالعه این مجموعه گفتار نشان از آن دارد که اندیشه‌های شرکت کنندگان در مورد آسیای شرقی منحصر به فرد می باشد. این نخستین گام در شناخت منطقه است و بیشتر به بررسی هویت فرهنگی، توسعه سیاسی روابط بین الملل، نفوذ اندیشه‌های غربی از دیدگاهی کلی پرداخته است. گرچه بسیاری از اندیشمندان و سیاستمداران در پی یگانگی شرق می باشند؛ لیکن آسیای شرقی هماهنگ، یگانه و همواره نیست.

نکته دیگری که هر خواننده‌ای را در

آغاز مطالعه کتاب به خود مشغول می کند. شرایط کنونی آسیای شرقی پس از آشفتگی در بازار بورس اندونزی، بیکاری و رکود در کره، ژاپن، سنگاپور و غیره است. در هر حال بحران مالی شرق آسیا پیامدهای خود را به صورت رکود و کساد بر زندگی مردم حاکم نموده است و بیکاری که در برشگاه ۱۵ سال اخیر بی سابقه بوده به ۴٫۲ درصد رسیده و ثبات آینده این سرزمینها را با تردید روبه رو ساخته است. دهم تیرماه امسال، سپری شدن یک سال از تاریخ پیوستن هنگ کنگ به چین را رقم زد. طی سال گذشته بر خلاف تصور عموم، دولت پکن، هنگ کنگ را آزاد گذاشت تا به همان راه و رسم دوران حکومت انگلیس، اقتصاد سرمایه داری خود را ادامه دهد. با همه اینها، سال گذشته یکی از بدترین سالهای هنگ کنگ بود، مردم جزیره همانند بسیاری از مردم آسیای شرقی به این نتیجه دردناک رسیدند که بر خلاف پندار دیرینه، دشمن اصلی آنها تنها کمونیسم نبود بلکه سرمایه داری نیز حریفی قدرتمند است.

د کتر ناصر فرشاد گهر

عضو هیأت علمی دانشگاه شیراز